

## فرهیختگان افتخار آفرین

### گزارشواره ای از بزرگداشت پزشکان پیش کسوت ایرانی

روز سوم تیرماه، فرصت و بخت این را داشتیم تا در مجلسی که برای بزرگداشت سه پزشک عالیقدر ایرانی در شهر کلن بر پا شده بود شرکت جویم. مبتکر و سازمانگر این برنامه، «کانون پزشکان و دندانپزشکان ایرانی در آلمان» بود که با تلاشهای جانانه پزشک و پژوهشگر جوان دکتر علیرضا رنجبر و دیگر مدیران و کوشندگان کانون، جامه عمل به خود گرفته بود.

موضوع اصلی این مراسم که به مناسبت چهل و پنجمین سالگرد تأسیس «کانون»، بر پا شده بود، به قدردانی و تجلیل از سه تن از پزشکان ایرانی عقیده ساز و مطرح در عرصه بین المللی، اختصاص داشت.

در آغاز مراسم، پروفسور کنعانی، فیزیکیان ایرانی ساکن برلین و استاد دانشگاههای معتبر جهانی، درباره موضوعی بدیع و شگفت آور سخنرانی کرد. عنوان این سخنرانی «جریان برق در دو هزار سال پیش؟» بود. او، حاضران را در سفری هیجان انگیز به دو هزار سال پیش در سرزمین ایران زیر حاکمیت پارتها برد و بر اساس یافته های باستانشناسی، نشان داد که پارتها، در آن زمان دور، باطری و در نتیجه جریان برق را می شناخته اند. صحبت بر سر کشف ابزارهایی بود که از یک کوزه سفالی، یک استوانه مسی و یک میله آهنی تشکیل شده است. بر اساس پژوهشهای دانشمندان، امروز مسجل شده که این قطعات، اجزای تشکیل دهنده نخستین باطری جهان بوده است. از قرار معلوم، پارتها، از این وسیله، برای آبکاری فلزات به ویژه طلاکاری استفاده می کرده اند.

### جایزه «ابن سینا» برای یلان عرصه دانش پزشکی

و اما بقیه برنامه، به پزشکی اختصاص داشت که هر یک در عرصه کار و تخصص خویش، بلی به حساب می آید و نام و آوازه ای جهانی به هم زده است. من این چهره های دانش و بینش را فرهیختگان شیفته و شیفتگان فرهیخته می نامم. فرهیختگانی که شیفته خدمت به همنوع هستند و شیفتگانی که علم را در خلاق ترین و مفیدترین شکل آن دریافته، و در زندگی روزمره هزاران انسان به خدمت گرفته اند.

اینان از نظر من، نه «عالمانی بی عمل» بلکه «عالمانی سر تا پا عمل هستند. از همه مهمتر، جهتگیری اجتماعی و فرهنگی آنان است که به هر سه تن، ارزشی والاتر و بیشتر می بخشد. مصاحبت و معاشرت با این چهره های سرشناس ایرانی، نه تنها آموزنده بلکه بسیار شادی آفرین است. آوازه آنان، دروازه ای شده برای گشودن و هموار کردن راه برای وسیعترین شکل خدمت به انسانها و همین امر، مایه غرور و افتخار است.

در جریان مراسم، نخست از پروفسور نصرت پزشکیان، روانپزشک و روان درمان برجسته تجلیل شد و او که اهل تهران است، در سخنرانی خود، پایه ها و جوانب گوناگون مکتب ابداعی خود «روان درمانی مثبت» را به حاضران و همکاران ایرانی و آلمانی توضیح داد. تأکید وی در این شیوه درمان، بر مسائل بین فرهنگی و تعاملهای اجتماعی در حوزه زندگی انسانها بود. او نه تنها بیماران روحی را درمان می کند، بلکه پزشکان متخصص تربیت می کند و بالاخره

همه هوش، گوش و توش خود را برای ساختن جهانی عاری از جنگ به کار می برد. جمله پایانی سخنان وی خطاب به حاضران، بسیار زیبا بود: «من شما را به سوی چشمه سار رهنمون شدم، اما نوشیدن از آن کار خودشماست!» شخصیت علمی بعدی که مورد تجلیل قرار گرفت، پروفسور جلیل جوادی، متخصص پوست و استاد دانشگاه ساکن «هایل برون» بود. او اهل اهر (ارسیاران) و یکی از اقتدارهای رشته خود در آلمان به شمار می رود. دکتر جوادی، انسانی است بسیار فروتن و عاشق خدمت به مردم. او سابقاً در دانشگاه تبریز، تدریس می کرده است. آنگاه نوبت قدردانی از پروفسور عباس کریمی نژاد اهل سیرجان رسید که البته امروز بازنشسته است و پیشتر مقام استادی دانشگاه کلن در رشته جراحی مغز و اعصاب را داشت. دکتر کریمی نژاد، یک مرجع علمی در سطح جهانی و عضو فعال و افتخاری در مجامع مختلف علمی بین المللی است.

در جریان این مراسم شادی بخش و غرورانگیز، «کانون پزشکان و دندانپزشکان ایران در آلمان» به هر یکی از این قهرمانان میدان علم و عمل، جایزه «ابن سینا» و نیز عضویت افتخاری آنان در کانون را اهدا نمود. این ابتکار که به نوبه خود بسیار شایسته بود، موجی از شادی در چهره هم تجلیل شدگان و هم تجلیل کنندگان پدید آورده بود. پروفسور کریمی نژاد در سخنان مختصر خود، جملاتی بر زبان آورد که سخت هیجان انگیز بود. او گفت «من این جایزه را با چشمی خندان و با چشمی گریان دریافت می کنم. خندان از آن رو که این برای من افتخاری بزرگ است و تاکنون جایزه ای با نام پزشک داهی ایرانی «ابن سینا» دریافت نکرده ام. و گریان از این جهت که آیا من به راستی شایسته این نام و این جایزه هستم...». این سخنان متواضعانه، تحسین شدید حاضران را برانگیخت.

شایان یادآوری است که این سه مرد دانشمند، از گوشه های گوناگون ایران زمین می آیند و در آلمان نیز، هر یک در گوشه ای کار هدایت مراکز علمی را برعهده دارند و نیز حضورشان در سراسر جهان محسوس است. در مقام همکار و شاگرد چنین دانشمندانی، فقط می توان به وجودشان بالید و موفقیت های بیشتر برایشان آرزو کرد.

ابراهیم محجوبی



**با دستکشیهای ابریشمی، نمی توان انقلاب کرد ...**

استالین ۱۹۵۸